

اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

هادی شجاعی*

چکیده

سیاست خارجی، همانند هر سیاستی، در جهت تحقق بخشیدن به اهداف خاصی که دولت‌ها برای خود تعریف می‌کنند، هدایت می‌گردد. به ثمر رسیدن این اهداف نیازمند ارائه راهبردهایی است که متناسب با آن اهداف، زمینه شکوفایی آنها را فراهم آورند. این مقاله متضمن بحث از اهداف و راهبردهایی است که سمت و سوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌سازند. برای این منظور، با رجوع به منابع اصیل اسلامی و بیانات امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و به روش کتابخانه‌ای، هشت هدف را تحت دو عنوان کلی «اهداف ملی» و «اهداف فراملی» برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرده و در ادامه به ذکر راهبردهای دست‌یابی به آن اهداف پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: اهداف سیاست خارجی، اهداف ملی، اهداف فراملی، امت واحده، راهبرد، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

«یک پایه مهم دولتمردی، همیشه فهم سیاست بیرون از مرزها بوده است. دولتمردان بزرگ تاریخ، آنان بوده‌اند که میان واقعیات داخل مرزها و تحولات بیرون تعادل و انطباق ایجاد کرده‌اند.»^(۱) انواعی از حکومت‌ها در طول تاریخ حیات سیاسی - اجتماعی بشر، با جهان‌بینی‌های متفاوت، اهداف گوناگونی را برای خود تعریف کرده و در پی آن، به دنبال راهبردها و راه‌کارهایی برای عملی کردن آنها بوده‌اند. در حقیقت، آنچه که سیاست دولت‌ها را از یکدیگر متفاوت کرده و سیاستی را علوی و دیگری را اموی می‌سازد، همین اهدافی هستند که در متن جهان‌بینی پذیرفته شده آن حکومت معنا یافته و سمت و سوی فعالیت سیاسی آن را مشخص می‌سازند.

اکنون پس از هزار و چند صد سال از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و پایان حکومت کوتاه‌مدت آن حضرت، شکل حقیقی حکومت اسلامی مبتنی بر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، بار دیگر با انقلاب اسلامی ایران به عرصه حیات سیاسی - اجتماعی بشر بازگشته است و داعیه‌دار ارائه طرحی بدیع و جامع از حکومت، مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی است. به گفته آقای محمدی:

به جرئت می‌توان گفت: اهمیت آثار و عوارضی که این حادثه در طول دو دهه در ایران، منطقه و جهان بر جای گذارده است از عوارض دو جنگ جهانی قرن اخیر کمتر نبوده و نیست و به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تحولات جهانی دانست.^(۲)

انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را همانند دیگر عرصه‌های اجتماعی، دستخوش تغییر و تحولات بنیادین ساخت و جهان‌بینی توحیدی، افقی بسیار گسترده، فراروی حکومت اسلامی گشود و مسئولیت جمهوری

اسلامی ایران را بر مبنای اهداف جدید، در ورای مرزهای جغرافیایی آن تعریف و تعیین کرد. از این‌رو، سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی در این حوزه، نیازمند تحقیقات و پژوهش‌های مبنایی و اجتهادی در مورد کلیه مسائل مرتبط با این عرصه می‌باشد؛ امری که متأسفانه در حوزه راهبردها و راه‌کارها و به تعبیر دیگر، جنبه عملیاتی اهداف و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کمبودهای جدی مواجه است. منابع منتشرشده در باب مسائل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی، را می‌توان به یک اعتبار به دو بخش تقسیم کرد:

الف. برخی از پژوهش‌های منتشرشده در این حوزه، طیف وسیعی از مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به بحث گذاشته و تنها در بخشی از مطالب خود، به اختصار به اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند؛ مانند: کتاب **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، نوشته دکتر علیرضا ازغندی و کتاب **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تألیف دکتر بیژن ایزدی.

ب. دسته دوم از منابع منتشرشده در این حوزه، که البته از فراوانی چندانی برخوردار نیستند، تمرکز خود را بر اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و یا عنوان کلی «دولت اسلامی» قرار داده و اصول و اهداف مختلفی را برای سیاست خارجی بیان کرده‌اند، اما توجه خاصی به مبحث راهبردها نداشته‌اند؛ مانند: کتاب **اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، نوشته دکتر منوچهر محمدی و کتاب **مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی**، تألیف سید صادق حقیقت.

این تحقیق در نظر دارد با نظر به منابع اصیل اسلامی

اسلامی ایران به عنوان یک نظام ایدئولوژیک، متوجه مسئولیت‌های فراملی نظام سیاسی اسلام می‌باشد که جنبه جهانی دین مبین اسلام را پوشش می‌دهد. بدین ترتیب، باید سیر حرکتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به گونه‌ای هدف‌گذاری کرد که هم نیازهای مادی و معنوی ملت و ضروریات اولیه، مانند امنیت و استقلال و... را تأمین کند و هم مسئولیت‌های فراملی که بخش انفکا‌کناپذیر اندیشه سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهند، مورد غفلت قرار نگیرند. با این وصف، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طور کلی، به دو بخش تقسیم می‌گردند:

و بیانات امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل، به بررسی اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای اجرایی کردن آنها بپردازد. در این زمینه، ابتدا اهداف، به دو بخش ملی و فراملی تقسیم‌گردیده و در ذیل هریک از آنها، چهار هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه با ارائه شانزده راهبرد برای نیل به این اهداف، راه‌کارهایی نیز بیان‌گردیده است.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

هر نظام سیاسی ایدئولوژیک، اهداف سیاست خارجی خود را در چارچوب باورها و آرمان‌های خویش تعریف می‌کند. در حقیقت، «ایدئولوژی یک چارچوب ذهنی به وجود می‌آورد تا بر اساس آن سیاست‌گذاران، واقعیت‌ها را درک نمایند. در این روند اطلاعات و پیام‌های اصله از محیط معنا و مفهوم پیدا کرده و در طبقه‌بندی خاصی مورد تبیین و تفسیر قرار می‌گیرد.»^(۳)

هر دولتی می‌تواند با توجه به خواست‌ها و نیازهای خود، اهداف متنوعی را برای سیاست خارجی خود ترسیم کند. اهداف سیاست خارجی در نظام سیاسی اسلام، به یک اعتبار به دو بخش تقسیم می‌گردند: بخشی از این اهداف، منافع حیاتی و ضروریات اولیه دولت اسلامی، مانند عمران و آبادانی، استقلال و... را پوشش می‌دهند که از آن به «منافع ملی» تعبیر می‌گردد. «منافع و ارزش‌های حیاتی غالباً با حفظ موجودیت یک واحد سیاسی بیشترین ارتباط را دارند. این منافع و ارزش‌ها، هدف‌های کوتاه‌مدت، به شمار می‌روند.»^(۴) بخش دیگری از اهداف سیاست خارجی نظام جمهوری

الف. اهداف ملی

۱. تحکیم و توسعه قدرت ملی: اهداف به یک اعتبار به دو بخش واسط و نهایی تقسیم می‌گردند. اهداف واسط، در حقیقت ابزاری برای تحقق غایات نهایی می‌باشند. پس اصالت با هدف نهایی است و چون محقق شدن آن، بدون زمینه مناسب امکان‌پذیر نیست، پای این اهداف مقدمی به میان می‌آید.

تحکیم و توسعه قدرت ملی از مواردی است که در نظام سیاسی اسلام از ارزش ذاتی برخوردار نیست، بلکه تنها بستر لازم و ابزار مناسب را فراهم می‌آورد تا دولت اسلامی در سایه آن بتواند اهداف متعالی خود را تحقق ببخشد.

قدرت ملی در یک تعریف، عبارت است از: توان به فعلیت رساندن تمامی امکانات مادی و معنوی کشور در جهت تأمین حداکثری منافع ملی و ایجاد زمینه‌های مناسب، برای انجام مسئولیت‌های الهی و انسانی نظام.

مؤلفه‌های مؤثر در قدرت ملی یک کشور، مواردی همچون فرهنگ غنی، توان اقتصادی بالا، جمعیت، سرزمین و... را شامل می‌شود. دین مبین اسلام نیز اهتمام

گونه‌ای باشد که هرگونه راه نفوذ اجانب را سد کند: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

ما می‌خواهیم مردم ما آزاد باشند، تحت فشار و تحت سلطه دیگران در داخل و خارج نباشند، ما می‌خواهیم مملکتمان از خودمان باشد، مستقل باشد، تحت رهبری دیگران نباشد.^(۷)

اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد»^(۸) را ممنوع می‌سازد.

از این رو، دستگاه سیاست خارجی کشور وظیفه دارد از لحاظ نرم‌افزاری، با تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های کوتاه و بلندمدت، زمینه استقلال و عدم وابستگی کشور در حوزه‌های مرتبط با سیاست خارجی را فراهم آورده، و از سوی دیگر، با تزریق روحیه خودباوری و نهادینه کردن آن در جزء جزء بدنه دیپلماسی کشور، در دفاع از آرمان‌های مقدس ملت ایران بکوشد.

۳. **تأمین امنیت:** امنیت از جمله ابتدایی‌ترین شرایط و ملزومات، تشکیل یک اجتماع پویا و قدم اول حرکت به سمت پیشرفت و تعالی است که بدون آن ادامه حیات انسان با دشواری‌های جدی روبه‌رو خواهد بود. امنیت به معنای «اطمینان خاطر آحاد ملت، نسبت به اینکه سلامت، محرمانه بودن (اسرار شخصی) و تسلط آنها در قبال جان، مال، آبرو، مسکن، ناموس و شغل خود، در چارچوب قانون رعایت شود»^(۹) می‌باشد. نظام سیاسی هر قدر که از لحاظ پشتوانه‌های فرهنگی غنی باشد، قطعاً در صورت عدم تأمین امنیت مناسب، در روند حرکتی خود با مشکل مواجه خواهد شد.

از این رو، خداوند متعال در قرآن کریم، در کنار بیان

ویژه‌ای به اقتدار مسلمانان در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و... دارد. قرآن کریم به مسلمانان توصیه می‌کند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰)؛ و هرچه در توان دارید آماده کنید. و در این جهت سازوکار لازم را نیز برای پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی فراهم آورده است؛ چراکه بدون قدرت کافی، حیات جامعه اسلامی در نظام ناعادلانه و ظالمانه جهانی با چالش جدی مواجه خواهد شد؛ چه رسد به اینکه به دنبال تحقق رسالت‌های خویش در عرصه جهانی نیز باشد. امام راحل در این باره می‌فرماید:

ملت ما با قدرت اسلامی با قوای نظامی و انتظامی، با مجاهدین اسلام و با همه قدرت‌های مسلح و غیرمسلح با هم هستند و کسی نمی‌تواند به این مملکت تعدی کند.^(۵)

اصل سوم قانون اساسی نیز در چندین بند، دولت را ملزم می‌کند سازوکار لازم را برای توسعه قدرت ملی فراهم آورد.^(۶)

۲. **حفظ استقلال کشور:** از ابتدای تاریخ و با شکل‌گیری حکومت‌های اولیه، اولین دوره‌های وابستگی کشورها آغاز گردید. کشورهای قدرتمندتر با هدف کسب منافع بیشتر، کشورهای ضعیف‌تر را با زور سرنیزه و یا در اشکال جدیدتر آن با روش‌های سیاسی و فرهنگی، به اطاعت از خود وامی‌دارند. نقطه مشترک در اشکال مختلف استعمار و وابستگی کشور مغلوب، در تمام یا برخی از شئون اجتماعی خود، به کشور غالب است؛ و میزان وابستگی نیز، بسته به قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... کشور وابسته تفاوت می‌کند.

اندیشه دینی با صراحت و به طور مؤکد، با هرگونه وابستگی جامعه اسلامی به بیگانگان مخالف است و تأکید می‌کند که عملکرد مسلمانان و مسئولان حاکم باید به

طریق یافتن شرکا و دوستان جدید در محیط بین‌الملل، و از آن طریق، گشودن بازارهای جدید و... تأثیر بسزایی در ارتقای امنیت اقتصادی کشور داشته باشد. بندهای ۱، ۲، ۳، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را ملزم می‌کند که سازوکار لازم را برای تأمین امنیت فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... فراهم آورد.^(۱۰)

۴. ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی نظام: جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، به عنوان یک نظام سیاسی برخاسته از متن دین، اذهان بسیاری را به خود معطوف کرد. انقلاب ایران و نظام سیاسی که پس از آن بر مبنای اندیشه ناب اسلامی بنا گردید، فصل جدیدی از تاریخ حیات سیاسی - اجتماعی بشر را رقم زد؛ و در دورانی که مارکسیسم و لیبرالیسم خود را یکه‌تاز میدان مدیریت جامعه انسانی دانسته و انتظار ظهور رقیب جدی دیگری را نداشتند، داشته‌های خود را به عنوان مکتبی ذوابعاد که توان مدیریت عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان را داراست، به جهانیان عرضه داشت.

اکنون و پس از گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از سی سال مبارزه بی‌امان قدرت‌های سلطه‌گر، نظام جمهوری اسلامی ایران مقتدر و با صلابت به راه خود ادامه داده و خط بطلانی بر توهمات کسانیکشید که می‌پنداشتند دین دو روز هم نمی‌تواند اجتماع مدرن را مدیریت کند. امروز نظام اسلامی، پس از گذر از پیچ و خم‌های صعب‌العبور زندگی در عرصه بین‌الملل، که اقتضات خاص خود را دارد، جایگاه درخور توجهی در میان کشورهای مستقل و ملت‌های دنیا به دست آورده و نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرده است. این جایگاه آسان به دست نیامده است که آسان از دست برود. از این‌رو، دستگاه سیاست خارجی کشور باید تمام هم و غم

حاکمیت نهایی مؤمنان بر زمین، به آنان وعده می‌دهد که ترسشان را به امنیت تبدیل خواهد نمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونََنِي لَأَ يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

محدوده فعالیت سیاست خارجی کشور در عرصه بین‌الملل و حوزه امنیتی مرتبط با آن، طبعاً امنیت سیاسی می‌باشد، اما دیگر حوزه‌های امنیتی نیز مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه فعالیت سیاست خارجی وارد شده و نمی‌توان نسبت به آنها بی‌توجه بود و از زیر مسئولیت آنها شانه خالی کرد. برای مثال، اگرچه متولی امنیت اقتصادی در وهله اول، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مالی، اقتصادی و صنعتی دولت هستند که وظیفه دارند وضعیت اقتصادی کشور را به حدی ارتقا دهند که تهدیدهای اقتصادی بین‌المللی نتواند به امنیت اقتصادی کشور لطمه وارد کند؛ با این حال، در همین حوزه تخصصی نیز دستگاه دیپلماسی کشور، به دلیل آنکه رابط دولت با اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد، می‌تواند از

خود را، صرف ارتقای این جایگاه در میان کشورهای مسلمان و همسو و در کل جامعه بین‌الملل کند.

ب. اهداف فراملی

۱. جهانی‌سازی اسلام: امروز و پس از خرد شدن استخوان‌های مکاتب دست‌ساز بشری در زیر فشار پیچیدگی و گستردگی مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان، زمان آن فرا رسیده است که دین اسلام به عنوان یگانه مکتبی که هم داعیه‌دار اداره جامعه انسانی است و هم سازوکار مناسب آن را در اختیار دارد، و هم توان خود را در اداره نظامی که از ابتدای تولدش هدف مرغبارترین تهاجم‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بوده است به اثبات رسانده است، به پیشگاه ملت‌های جهان عرضه شود تا همه بشر در اقصاد نقاط عالم از این موهبت الهی بهره‌مند گردند.

قرآن کریم درباره رسالت پیامبران الهی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (احزاب: ۳۹)؛ (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است.

یکی از اساسی‌ترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که در اندیشه‌های امام راحل علیه السلام نیز تحت عنوان «صدور انقلاب» مطرح گردید، جهانی‌سازی اسلام است.

البسته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. (۱۱)

این تعبیر اگرچه ممکن است به مذاق برخی خوش نیاید، چنان‌که طرح مسئله صدور انقلاب امام را به مصلحت نمی‌دانند، اما شجاعت و خودباوری نیروهای انقلابی، ایجاب می‌کند با مسلح شدن به سلاح فکر و اندیشه، به آوردگاه علم و دانش وارد گردیده و این درگراں‌بها، یعنی اسلام عزیز را، در برابر دیدگان منتظر جامعه جهانی به نمایش بگذارند تا همه با حقانیت این مکتب بیش از پیش آشنا گردند. ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱)؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.

۲. بسط و گسترش ارزش‌های الهی و انسانی: عدالت، آزادی، مساوات و... از مفاهیم مقدسی هستند که همواره قربانی مظالم زورگویان عالم گردیده‌اند. سنت دیرینه سلطه‌گران، آنجا که فضا را برای لگدکوب کردن این آرمان‌های مقدس الهی - انسانی، مهیا دیده‌اند، بر زیر پا نهادن این اصول و ارزش‌ها مقرر گردیده و آنجا که شرایط را مساعد ندیده‌اند تحت پوشش همین آرمان‌های مقدس، نيات پلید خود را محقق کرده‌اند، که نمونه‌های فراوان آن صدر تا ذیل تاریخ حیات بشری را فرا گرفته است. از این روست که خداوند متعال یکی از اهداف مهم رسولان خویش را بسط و توسعه این ارزش‌ها معرفی می‌کند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. قبح نادیده گرفتن و زیر پا نهادن ارزش‌های الهی -

مسلمانی نمی‌تواند نسبت به تجاوز به حقوق انسان‌ها، مظلومیت بی‌گناهان و ظلم ظالمان بی‌تفاوت باشد. قرآن کریم مسلمانان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

﴿وَمَا لَكُمْ لَأَنْتُمْ تَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ (نساء: ۷۵)؛ چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و

کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌ده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر (مکه)، که اهلس ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما.

دوران پرفراز و نشیب پس از انقلاب، نشان می‌دهد که سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبران عالم مقرر گردیده است. امام راحل علیه السلام و خلف صالح او نیز، همواره بر این مسئله تأکید داشته‌اند. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: ملت آزاده ایران، هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. ^(۱۴)

اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در مورد حمایت از مستضعفان عالم می‌گوید:

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم

انسانی در اندیشه اسلامی به حدی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان فرمانروای مسلمانان حتی حاضر نیست آنچه را از این جهان متصور است به او بدهند و در برابر آن به اندازه گرفتن پوست جویی از موری، ظلم روا دارد. حضرت در پاسخ به اشعث بن قیس که برای درخواست نابجایی با هدیه حلوا به در خانه حضرت آمده بود، فرمود:

مادرت در سوگ تو بگریه! آیا از راه دین آمده‌ای (با عنوان هدیه) مرا بفریبی؟ آیا می‌فهمی یا دیوانه‌ای یا بیهوده می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمان‌های آن است به من دهند تا با ربودن پوست جویی از مورچه‌ای، خدا را نافرمانی نمایم (بی‌عدالتی کنم) هرگز نمی‌کنم. ^(۱۲)

در این آشوب زمانه، نظام جمهوری اسلامی، که خود بر پایه همین ارزش‌ها شکل گرفته و در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی همواره پایبندی خود به این ارزش‌ها را نشان داده است، وظیفه‌ای دوچندان در بسط و گسترش این ارزش‌ها در جهان از راه‌های گوناگون دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف دولت را بسط و گسترش ارزش‌های انسانی و ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی می‌داند. ^(۱۳)

۳. مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر و حمایت از مستضعفان: مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر و حمایت از مستضعفان جهان، همان‌گونه که یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، از اهداف آن نیز به شمار می‌رود.

اسلام، سعادت انسان در کل جامعه بشر را یکی از اهداف خود برمی‌شمارد و استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را حق همه انسان‌ها می‌داند. بر همین اساس، هیچ

نژاد، بلکه افکار و باورهای مشترک اسلامی می‌دانند. امام صادق علیه السلام درباره برادری امت اسلامی می‌فرمایند:

مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم روا نمی‌دارد و او را وانمی‌گذارد و به او خیانت نمی‌کند. و بر مسلمانان سزاوار است در همبستگی و همیاری، با عطف و مواسات برای نیازمندان تلاش نمایند و در عطف با یکدیگر چنان باشند که خداوند عزوجل - به شما دستور داد: با یکدیگر مهر می‌ورزند - با هم مهربان‌اند و نسبت به امری که مربوط به آنهاست و فوت شده، اندوهگین هستند، به همان روشی که گروه انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند. (۱۷)

تشکیل امت واحده اسلامی لزوماً و در ابتدای امر، به معنای این نیست که مرزهای جغرافیایی حذف گردیده و همه سرزمین‌های اسلامی با مرکزیت واحد اداره گردند، بلکه به این معناست که همه مسلمانان، که قریب یک سوم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، بر مبنای نقاط مشترک خود، در عمل اجماع کرده و هماهنگ با هم، در جهت عملیاتی کردن آرمان‌های قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حرکت درآیند.

امام خمینی ره در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود در این باره خطاب به مسلمانان جهان می‌فرمایند:

و شما ای مستضعفان جهان، و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش بروید. (۱۸)

ظرفیت عظیم دنیای اسلام و غنای تفکر و اندیشه اسلامی اگر با اتحاد مسلمانان همراه گردد، قطعاً فضای بین‌المللی را دستخوش دگرگونی‌های عمیق خواهد کرد.

جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (۱۵)

نکته مهم در این باره این است که نباید توجهات سست و بی‌پایه موجب گردد مسئولان نظام از این هدف اساسی غفلت کرده و تحت عناوینی همچون تنش‌زدایی، که البته در جای خود نیکوست، خود را به بی‌خیالی زده و نسبت به ستم‌ستمرگان و آه‌مظلومان عالم بی‌تفاوت شوند، که اگر این‌گونه شود باید فاتحه نظام و انقلاب را خواند.

۴. تشکیل امت واحده اسلامی: اسلام روح برادری را بر جامعه اسلامی حاکم دانسته و مسلمانان را، اگرچه از لحاظ جغرافیایی از هم دور باشند، عضو یک جامعه می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲)؛ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید.

شاید اولین باری که مسلمانان با اصطلاح «امت واحده» آشنا گردیدند، هنگام تدوین منشور مدینه توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. منشور با این جملات آغاز می‌گردد: «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي بين المؤمنين والمسلمين، من قريش و يثرب و من تبعهم فلحق بهم و جاهد معهم. انهم امه واحده من دون الناس»؛ (۱۶) این نوشته‌ای است از محمد پیامبر میان مؤمنان و مسلمانان از قریش و مردم یثرب و کسانی که از آنان پیروی کرده و به آنان ملحق شده‌اند و با آنان در جهاد شرکت نموده‌اند. اینان جدای از سایر مردم، امت واحد می‌باشند.

در این منشور، پیامبر مسلمانان را «امت واحد» معرفی می‌کند و مبنای تشکیل آن را، نه زبان و رنگ و

قله‌های پیشرفت را به سرعت پیموده و به عنوان یک نظام پویا و قدرتمند در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و... خود را به جهانیان معرفی کرده باشد. تحقق این راهبرد اساسی، نیازمند طراحی استراتژی کلان و هدفمند و مجاهدت بی‌امان می‌باشد.

امام خمینی علیه السلام درباره خودکفایی و قدرت همه‌جانبه ایران چنین می‌فرماید: «من یک جمله با آقایان صحبت کنم: ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناح‌ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال به دست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد. و همین طور اگر در فرهنگ، ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می‌کنیم. اگر ما بخواهیم مستقل باشیم، باید از همه جهات خودمان را مستغنی کنیم، و از حالا درصددش برآییم. از حالا باید؛ حالایی که مملکت شده است مال خودتان و دست اجانب کوتاه شده است، و امید است تا آخر کوتاه باشد، و این خیانتکارها هم رفتند و این ریشه‌های گندیده‌شان مانده است. ما باید به این مملکت که مال خودمان شده است حالا مثل خانه خودمان باید خدمت کنیم. و از الآن درصدد این برآییم که خودمان را مستغنی کنیم از این غرب و شرق.»^(۱۹)

بند یازدهم اصل سوم قانون اساسی نیز دولت را به «تقویت کامل بنیه دفاعی ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور»^(۲۰) ملزم می‌کند.

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. پیشرفت همه‌جانبه و در تمام سطوح؛
۲. حضور قدرتمند در سازمان‌های منطقه‌ای و

بین‌المللی؛

راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد یا استراتژی به طرح عملیاتی دراز مدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص، طراحی شده باشد. در حقیقت، راهبردها مسیر تحقق اهداف را مشخص می‌سازند.

در این بخش، راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با نگاه به بیانات و رهنمودهای امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پیش از هر چیز تذکر این نکته ضروری است که ذکر چند راهبرد به معنای انحصار آنها در این موارد نمی‌باشد، بلکه بیانگر نقص عمده‌ای است که از این ناحیه متوجه پژوهش‌های سیاست خارجی می‌باشد. به بیان دیگر، و با کمال تأسف، اغلب کارهایی که در این حوزه صورت می‌گیرد، نظری بوده و نسبت به ارائه راهبردها و راه‌کارهای عملیاتی مناسب، توجه چندانی صورت نگرفته است، در حالی که اساساً بدون ارائه راهبردها و راه‌کارهای مناسب، انتظار تحولی جدی در روند حرکتی نظام اسلامی، بیهوده و عبث خواهد بود. از این رو، این پژوهش، بدون اینکه قصد داشته باشد راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به صورت مورد به مورد و جزئی مورد بررسی قرار دهد، تنها به استخراج این راهبردها از بیانات امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) و قانون اساسی بسنده کرده، به این امید که پژوهشگران و محققان این عرصه با ورود به این مباحث، هریک از آنها را به صورت تفصیلی مورد تجزیه و تحلیل عالمانه قرار دهند.

۱. راهبرد ایران ابرقدرت

ایران ابرقدرت، ایرانی است که با تکیه بر ایمان به خدا،

۳. یافتن شرکا و دوستان جدید در نقاط مهم دنیا؛
۴. به چالش کشیدن نظام امپریالیستی بین‌المللی؛
۵. قدرت‌نمایی هدفمند به طرق مختلف نظامی، علمی، سیاسی و...؛
۶. شبکه‌سازی گسترده در کشورهای منطقه و نقاط حساس جهان.
۲. هدف‌گیری افکار عمومی دنیا؛
۳. گسترش سطح تعامل با نخبگان جهان، بخصوص کشورهای همسو؛
۴. تسهیل ورود دانشجویان خارجی و سرمایه‌گذاری در جهت مدیریت فکری آنها؛
۵. طرح آرمان‌های انقلاب در مجامع جهانی و دیدارهای دیپلماتیک؛
۶. گسترش مدار فعالیت نمایندگی‌ها و رایزنان

۲. صدور انقلاب

پیروزی انقلاب به معنای صدور پیام و ارزش‌های آن و به حرکت درآمدن موجی از خیزش‌های رهایی‌بخش در کشورهای اسلامی و جهان سوم بود. پیام انقلاب اسلامی، جنبش‌های استقلال‌طلبانه را در جهان بیدارکرد، و رژیم‌های وابسته بسیاری را با چالش جدی مواجه نمود.

امام خمینی علیه السلام درباره مفهوم صدور انقلاب می‌فرماید: «ما که می‌گوییم "انقلاب‌مان را می‌خواهیم صادر کنیم"، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الآن مدت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آنها نمی‌کنیم. آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم. دفاع لازم است. ما می‌خواهیم که این انقلاب‌مان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود.»^(۲۱)

وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید. و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت، پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. سرمایه‌گذاری در امور رسانه‌ای و هنری (تولید فیلم و...) با هدف صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی؛

- منافع ملی و فراملی؛
۹. همکاری با کشورهای معتدل تر و مستقل تر اسلامی، برای کنترل و مدیریت کشورهای افراطی و غیرمستقل (مانند عربستان)؛
۱۰. حضور فعال در همه کشورهای اسلامی؛
۱۱. تمرکز بیشتر بر گسترش تعاملات اقتصادی و تکنولوژیک با کشورهای اسلامی؛
۱۲. تأکید بر نقاط مشترک در تعامل با کشورهای اسلامی؛
۱۳. سرمایه گذاری در جهت طراحی یک برنامه دقیق، گسترده و همه جانبه برای سوق دادن افکار عمومی ملت ها و دولت های مسلمان به سمت ایده امت واحد اسلامی؛
۱۴. گسترش شعاع فعالیت بانک توسعه اسلامی با هدف کمک به حل مشکلات داخلی کشورهای اسلامی.
- ۴. بیداری اسلامی**
- امام خمینی علیه السلام در باب بیداری اسلامی می فرماید:
- «این جانب، برای ادای وظیفه اسلامی، در هر فرصت فریاد دل محرومان و مظلومان منطقه را به جهانیان، از آن جمله دولت های کشورهای اسلامی، رسانده ام. و پس از این نیز، اگر فرصتی رخ دهد، ان شاء الله خواهیم رساند. شاید در حکومت های این کشورها، که بعضی سرگرم عیاشی و بعضی نزاع و جدال با برادران خویش و بعضی از ترس آمریکا خود را باخته اند، اثر کند و این خواب غفلت به یک بیداری اسلامی - انسانی تبدیل گردد، و به این وضع فلاکت بار خویش خاتمه دهند، و همانند ایران قهرمان دست رد به سینه تمام ابرقدرت ها زنند.» (۲۴)
- مقام معظم رهبری نیز، با توجه به پیشرفت های انکارناپذیر ملت ایران در عرصه های سیاسی، اقتصادی،
- برادری ایمانی با همت دولت ها و ملت ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود. (۲۲)
- بندهای ۱۵ و ۱۶ اصل سوم قانون اساسی نیز، دولت جمهوری اسلامی را، ملزم به توسعه و تحکیم برادری اسلامی می کند؛ و در اصل یازدهم می گوید: «به حکم آیه کریمه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ (انبیاء: ۹۲) همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» (۲۳)
- برخی از راه کارهای این راهبرد عبارتند از:
۱. فعال شدن سازمان کنفرانس اسلامی؛
 ۲. استفاده از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی، برای حل مشکلات دنیای اسلام؛
 ۳. تشکیل اتحادیه سیاسی، امنیتی و اقتصادی فراگیر، در میان کشورهای اسلامی؛
 ۴. مدیریت اختلافات عقیدتی موجود در بین کشورهای اسلامی؛
 ۵. تدوین استراتژی مدیریت افکار عمومی جهان اسلام؛
 ۶. فعال شدن نمایندگی های جمهوری اسلامی و افزایش رایزنی ها در جهت کسب اجماع نسبی کشورهای مسلمان در مسائل مختلف منطقه ای و بین المللی؛
 ۷. مقابله با پروژه ایران هراسی؛
 ۸. تلاش برای حل و فصل اختلافات و سوء تفاهم های موجود میان کشورهای اسلامی با رعایت

کشورهای وسیع و ذخایر بی‌پایان، شاهد چپاولگری‌های شرق و غرب و ستمگری‌ها و قتل‌عام‌های غیرانسانی آنان و تفاله‌های آنان باشند؟ تاکی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات قدس، از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخوردهای سازشکارانه با ابرقدرت‌ها وقت‌گذرانده و به اسرائیل مهلت جنایت‌های بی‌امان داده و شاهد قتل‌عام‌ها باید بود؟ باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازی‌های سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی‌نگه داشتن ابرقدرت‌ها به مشام می‌رسد کنار گذاشت. (۲۶)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. طرح دائمی مسئله فلسطین در مجامع جهانی؛
۲. فعال کردن سازمان کنفرانس اسلامی در مسئله فلسطین؛
۳. حمایت سیاسی، مالی و فکری از انتفاضه فلسطین؛
۴. هماهنگ کردن گروه‌های فلسطینی و رفع اختلافات آنها؛
۵. سرمایه‌گذاری در جهت تهییج و هدایت افکار عمومی ملت‌های مسلمان و نخبگان دنیای اسلام برای حمایت از انتفاضه؛
۶. افزایش رایزنی‌ها و درگیر کردن کشورهای بزرگ اسلامی (ترکیه، پاکستان و...) در قضیه فلسطین.

۶. اعمال تدابیر بازدارنده

بازدارندگی «مجموعه‌ای از تدابیر است که هدف آن، اقناع دشمن نسبت به این امر است که اگر بخواهد وارد جنگ شود، ضرر خواهد کرد و یا دست‌کم دربابد که خسارت

اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر عرصه‌ها، بر این باورند که: در جهان اسلام هم بیداری اسلامی، فرو ریختن ترس ملت‌ها از ابرقدرت‌ها و احساس هویت توده‌های مسلمان از آثارگران قدر انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران است. (۲۵)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. طرح اندیشه‌های بنیادین و پویای اسلامی در مناسبت‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر نقاط مشترک؛
۲. تسهیل شرایط جذب نخبگان مسلمان در مراکز آموزش عالی کشور؛
۳. برگزاری هم‌اندیشی‌های مختلف و کارآمد در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و با حضور نخبگان مسلمان؛
۴. تدوین و اجرای پروژه مدیریت افکار عمومی دنیای اسلام؛
۵. تأسیس و گسترش فعالیت شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در حوزه منطقه‌ای اسلام؛
۶. به‌کارگیری مؤثر امکانات دنیای وب و فضای مجازی برای تعامل بیشتر با افکار عمومی مسلمانان؛
۸. ارائه الگویی مناسب از کشور اسلامی با مبارزه بی‌امان و شجاعانه با نظام سلطه و دفاع از مستضعفان عالم.

۵. حمایت از انتفاضه فلسطین

امام راحل علیه السلام در مورد حمایت از انتفاضه فلسطین، ملت‌های مسلمان را خطاب قرار داده و می‌فرماید:

تاکی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید، و بعضی حکام خائن شما آتش بیار آنان باشند؟ تاکی قریب یک میلیارد مسلمان در جهان و قریب صد میلیون عرب با

آغاز انقلاب ابراز می‌کردند نقش ویژه‌ای داشتند. کشورهای غیرمتعهد و کشورهایی که آماده بودند به صورت مستقل و جدا از تصمیم‌گیری‌های قدرت‌های متخاصم با ما دربارهٔ ما تصمیم بگیرند نقش ویژه‌ای داشتند. ما در سیاست خارجی خودمان این اولویت‌ها را همواره موردنظر قرار دادیم. در منش سیاست خارجی ما حساسیت در مقابل تجاوز نقش بخصوصی داشته. ما همواره کوشش کردیم از اول انقلاب در هر نقطه‌ای که یک نیروی متجاوز به خودسری و قلدری مشغول است آن را عیب و زشت بشماریم.» (۲۹)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. تلاش برای گسترش فعالیت سازمان‌هایی مانند اکو و گروه دی ۸؛
۲. تأسیس اتحادیه‌ای سیاسی، اقتصادی و... که همه یا اکثر کشورهای منطقه را دربرگیرد؛
۳. جلوگیری از ایجاد منازعات و تلاش برای حل اختلافات در میان کشورهای منطقه؛
۴. شناسایی و در اختیارگرفتن بازارهای منطقه؛
۵. گسترش صنعت توریسم در بین کشورهای منطقه؛
۶. تلاش برای هماهنگ کردن کشورهای منطقه در جهت مبارزه با تروریسم منطقه‌ای؛
۷. افزایش سطح تعاملات تکنولوژیک، در زمینه فناوری‌های نو با کشورهای منطقه؛
۸. افزایش رایزنی‌ها با کشورهای منطقه در مورد مسائل بین‌المللی؛
۹. سرمایه‌گذاری بر روی نخبگان و افکار عمومی کشورهای منطقه.

۸. اتحاد و ائتلاف با دولت‌های همسو

جمهوری اسلامی ایران نه تنها در عرصهٔ دوجانبه‌گرایی،

این کار، از سود احتمالی آن بیشتر است.» (۲۷)

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بندهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ دولت را ملزم می‌کند تا با توسعهٔ همه‌جانبه کشور در بخش‌های نظامی، اقتصادی و... موجبات بازدارندگی و از آن طریق، حفظ تمامیت ارضی کشور و نظام اسلامی را فراهم آورد. (۲۸)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. افزایش قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و...؛
۲. بالا بردن هزینهٔ تعرض به منافع ایران؛
۳. قدرت‌نمایی نظامی، سیاسی و...؛
۴. یافتن شرکا و دوستان جدید در اقصا نقاط عالم؛
۵. مدیریت نیاز کشورهای سلطه‌گر به ایران، برای حل مشکلاتشان در منطقه؛
۶. بردن خطوط درگیری به خارج از مرزهای جغرافیای ایران؛
۷. شبکه‌سازی از نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران در منطقه؛
۸. حضور قدرتمند در سازمان‌های بین‌المللی.

۷. گسترش همکاری‌های منطقه‌ای

مقام معظم رهبری با تأکید بر فرامین حضرت امام خمینی علیه‌السلام، مبنی بر تقویت روابط خارجی سالم، دوستانه و محبت‌آمیز با کشورهای مسلمان و همسایه می‌فرمایند: «در سیاست خارجی محور اصلی حرکت ما از آغاز انقلاب ایجاد روابط متین و منطقی با همهٔ کشورهایی بوده که مایل بودند انقلاب ما را و کشور ما را و ملت ما را در همان موضع شایسته‌ای که از آن برخوردارند، قرار بدهند و به چشم احترام به این همه نگاه کنند. در سیاست خارجی ما کشورهای همسایه نقش برجسته‌ای داشتند. کشورهایی که با ما روابط دوستانه و صمیمانه‌ای را از

بلکه در عرصه چندجانبه‌گرایی به موفقیت‌های چشمگیری نایل آمده است.

امام خمینی علیه السلام روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه احترام متقابل می‌داند و می‌فرماید: «اسلام با همه کشورهای جهان دوست است و در جهان هستند می‌خواهد دوست باشد و دولت اسلامی با همه ملت‌ها، با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آنها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند.»^(۳۰)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. یافتن شرکا و دوستان جدید؛

۲. حضور در مناطق حساس جهان (آمریکای لاتین، آسیای جنوب شرقی و...)

۳. افزایش سطح تعاملات فرهنگی، اقتصادی،

سیاسی و... با کشورهای دوست؛

۴. تأسیس اتحادیه‌ای با حضور دولت‌های دوست و

همسو در نقاط مختلف جهان؛

۵. افزایش رایزنی‌های دیپلماتیک.

۹. حضور در مناطق حساس جهان

مقام معظم رهبری در دیدار با سفرا و متولیان سیاست خارجی با تأکید بر این نکته می‌فرمایند:

... ما تقویت روابط با اروپا را باید جدی بگیریم.

البته من تقویت روابط با آسیا را هم یک اصل بسیار

مهمی می‌دانم... ما باید به آسیا یک نگاه جدی

بکنیم. البته این هم سیاست امروز ما نیست، این

سیاست اواخر زمان امام (رضوان الله علیه) است که

ما بارها بر آن تأکید کرده‌ایم... ما باید به اروپایی‌ها

تفهم کنیم که غرب مساوی با آمریکا نیست، که اگر

چنانچه آمریکا حذف شد، ما با غرب قهریم؛ نه،

خود اروپایی‌ها هم قبول ندارند.^(۳۱)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. شناسایی مناطق استراتژیک و نقاطی که در

چشم‌انداز آینده دنیا اثرگذار خواهند بود؛

۲. تهیه چند طرح جامع، با تمرکز بر نقاط مهم جهان،

برای حضور همه‌جانبه در آن مناطق؛

۳. تأسیس و گسترش فعالیت نمایندگی‌های سیاسی

جمهوری اسلامی در مناطق مهم جهان؛

۴. افزایش سطح تعاملات اقتصادی.

۱۰. ایجاد بلوک‌های جدید قدرت

امام خمینی علیه السلام دربارهٔ برهم خوردن نظم بین‌المللی حاکم

و تولد نظام بین‌المللی و بلوک‌های قدرت جدید، توسط

انقلاب اسلامی ایران می‌فرماید:

ما معادلهٔ جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای

که تا به حال به واسطهٔ آن تمام مسائل جهان

سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود

چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را

ملاک دفاع، و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر

عدالتی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم؛ حال

شما اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. ما این

سنگ را بنا خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا

شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای

امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراها را بر این پایه بنا

کنند، نه بر پایهٔ نفوذ سرمایه‌داران و قدرتمندان که

هر موقعی که خواستند هر کسی را محکوم کنند،

بلافاصله محکوم نمایند.^(۳۲)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. افزایش سطح همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و...

با کشورهای مستقل و همسو؛

۲. تأسیس اتحادیه‌ای فراگیر از کشورهای نیرومند و

- همسو در آمریکای لاتین، آسیای جنوب شرقی، آفریقا؛
۳. تبلیغ و نهادینه کردن تفکر ایجاد بلوک جدید
قدرت در میان کشورهای دوست و همسو؛
۴. درگیر کردن کشورهای همسو در مسائل بین‌المللی
موردنظر؛
۵. تلاش در جهت تقویت سیاسی، اقتصادی و
تکنولوژیک کشورهای مستقل و همسو؛
۶. حضور فعال و همه‌جانبه در منطقه آمریکای
لاتین، آسیای جنوب شرقی و آفریقا؛
۷. حمایت از کشورهای مستقل در مقابل نظام سلطه.
کشورهای سلطه‌گر.

۱۱. حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ملت‌های

مستضعف

۱۲. عدم تعهد به عنوان الگویی ثالث در نظام

بین‌الملل

- در دیدگاه مقام معظم رهبری، مخالفت با سلطه‌گری و
سلطه‌پذیری، و حمایت از مظلومان و طرف‌داری از
اسلام، از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی است:
«دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار
نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند،
پافشاردن بر حقیقت، اینها چیزهایی است که هیچ وقت در
دنیا کهنه نمی‌شود. اینها را باید دنبال کنیم. اصول
اینهاست.» (۳۳)
- در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
نیز چنین آمده است:

امام خمینی علیه السلام شعار «نه شرقی نه غربی» را از اصول
انقلاب اسلامی می‌شمرند:
شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب
اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و
ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای
اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به
یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش
بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست
عدول نخواهد شد. (۳۵)

اصل ۱۵۲ قانون اساسی، اصل عدم تعهد را در سرلوحه
سیاست خارجی جمهوری اسلامی برمی‌شمرد: «سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه
سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و
تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و
عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز
متقابل با دول غیرمحراب استوار است.» (۳۶)

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل
جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و
آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم
جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل
از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر،
از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین
در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (۳۴)

برخی از راه کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. تلاش برای ایجاد بلوک‌های جدید قدرت؛
۲. افزایش قدرت ملی؛
۳. پایبندی به آرمان‌های امام راحل علیه السلام؛

۴. حضور قدرتمند در مجامع بین‌المللی و طرح

دیدگاه‌های کشور؛

۵. افزایش رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای مستقل و همسو.

۱۳. مبارزه با نظام سلطه

مقام معظم رهبری یکی از اهداف سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را نشان دادن چهره متعرض و سازش‌ناپذیر نظام اسلامی نسبت به متعرضان می‌داند و تأکید می‌کند: «آن نظامی که به نام اسلام و به نام قرآن است، ولی در مقابل دشمنان خدا تسلیم می‌شود، دیگر جمهوری اسلامی نیست؛ جمهوری اسلامی آمریکایی است. مکتب قرآن و راه انبیا نیست. آن چیزی که در راهش، جوانی‌ها از بین رفت، جان‌های طیب و طاهر از تن‌ها خارج گردید، خون‌ها ریخته شد، برایش زحمت‌ها کشیده شد، این دیگر آن نخواهد بود. چهره جمهوری اسلامی نسبت به دشمنان خدا و متعرضان به حریم ملت‌ها و شرف انسانیت و استقلال ملت‌ها، چهره متعرض و عدم تسلیم است. ما بی‌اعتماد و معارض بودیم و هستیم و خواهیم بود.»^(۳۷)

برخی از راه کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. افزایش قدرت ملی در تمام سطوح؛
۲. مقابله فکری با ایدئولوژی نظام سلطه؛
۳. سرمایه‌گذاری گسترده رسانه‌ای برای مقابله با سیاست‌های سلطه؛
۴. تلاش برای عدم تصویب طرح‌های امپریالیستی در

سازمان‌های بین‌المللی؛

۵. ایجاد بلوک‌های جدید قدرت، ضد نظام سلطه؛
۶. استفاده از ظرفیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی، عدم تعهد و... برای مقابله با سیاست‌های امپریالیسم.

۱۴. مدیریت افکار عمومی ملت‌های دنیا

با توجه به استقلال عمل و تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران و ارتقای جایگاه و حیثیت آن در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، بدون پذیرش تحمیل‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران توانسته است نسبت به هنجارسازی برای جهت‌دهی به افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت نماید. در این زمینه، می‌توان به مواردی از قبیل مخالفت با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا، مخالفت با گسترش موج خشونت و تروریسم در فلسطین اشغالی، و موارد بسیاری از این دست اشاره کرد.

مقام معظم رهبری، خطاب به مسئولان وزارت خارجه می‌فرمایند:

باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران انگیزه و هدفش این است که می‌خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده خود، در راه سعادت خود قدم بردارد؛ این آن چیزی است که ما به عنوان یک ملت دنبالش هستیم.^(۳۸)

بنابراین، دولت باید با اجرای راه کارهایی مناسب و البته سرمایه‌گذاری گسترده، جایگاه مناسب خود را در راهبری و مدیریت افکار عمومی ملت‌های دنیا بیابد.

برخی از راه کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. سرمایه‌گذاری در جهت گسترش پوشش رسانه‌ای به تمام نقاط عالم؛
۲. تهیه و تدوین طرح «مدیریت افکار عمومی» با

توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه؛

۳. تولید آثار هنری (فیلم و...) با هدف هدایت افکار عمومی ملت‌ها به سمت نقطه دلخواه؛
۴. درگیر کردن افکار عمومی دنیا در منازعات و مناقشات جمهوری اسلامی با کشورهای سلطه‌گر؛
۵. گسترش صنعت توریسم همراه با طراحی یک استراتژی دقیق در جهت ارتباط مؤثر و هدفمند با توریست‌ها؛
۶. فعال کردن و توسعه فعالیت‌های نمایندگی‌ها و رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی با هدف حضور حداکثری در جامعه، با هدف‌های گوناگون.

۱۵. مدیریت مناقشات و تنازعات بین‌المللی

شرایط پیچیده بین‌المللی و معادلات حاکم بر روابط بین‌الملل، اقتضا می‌کند که برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های سنگین سیاسی و... دولت در مناقشات و تنازعات میان جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای جامعه بین‌الملل، به مدیریت مناقشات و تنازعات بین‌المللی روی آورده و از حداکثر ظرفیت‌های کشور و اعتبار بین‌المللی نظام برای حل و فصل مشکلات کشور، به روشی هوشمندانه بهره‌برداری کند.

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. افزایش قدرت ملی؛
۲. تمرکز بیشتر بر رایزنی‌های دیپلماتیک؛
۳. ایجاد تقابل بین کشورهای قدرتمند دنیا با هدف جلوگیری از اجماع آنها؛
۴. استفاده از ظرفیت گروه‌هایی همچون عدم‌تعهد، دی ۸ و سازمان کنفرانس اسلامی؛
۵. استفاده همزمان از تبلیغات و فعالیت دیپلماتیک (با هدف راندن حریف به گوشه‌رینگ و وارد کردن ضربه نهایی)؛
۶. قرارداددن کشور متخاصم در مقابل عمل انجام‌شده.

۱۶. گفت‌وگو به جای درگیری

مقام معظم رهبری خطاب به سفرای می‌فرمایند: «باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران، انگیزه و هدفش این است که می‌خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده خود، در راه سعادت خود قدم بردارد؛ این آن چیزی است که ما به عنوان یک ملت دنبالش هستیم... ما با ملت‌های دنیا با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگوها و کسانی که می‌خواهند همه مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل بکنند؛ مثل آمریکا. با اینها آسمان در یک جوی نمی‌رود.»^(۳۹) ایشان در جای دیگری درباره حضور فعال ایران در عرصه ارتباطات جهانی می‌فرمایند: «باید در عرصه ارتباطات دوجانبه و منطقه‌ای و مجامع جهانی حضور کاملاً فعال داشته باشیم و با شناخت مؤلفه‌های ضرورت نظام اسلامی اهدافمان را دنبال کنیم.»^(۴۰)

برخی از راه‌کارهای این راهبرد عبارتند از:

۱. تمرکز بر فعالیت‌های دیپلماتیک؛
۲. استفاده از ظرفیت گروه‌هایی مانند، عدم‌تعهد و...؛
۳. یافتن شرکای جدید در جهان.

نتیجه‌گیری

در ضمن این پژوهش، به طور خلاصه مشخص شد که اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به دو بخش اهداف ملی و فراملی، و در هشت زیر شاخه تقسیم می‌گردد که شامل تحکیم و توسعه قدرت ملی، حفظ استقلال کشور، جهانی‌سازی اسلام و... می‌گردند. در بخش دوم مقاله نیز با بررسی بیانات امام‌راحل‌عظمی، مقام معظم رهبری و قانون اساسی، شانزده راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استخراج گردید.

پی نوشتها

- ۱- محمود سریع‌القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، ص ۸.
 - ۲- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل، ص ۱۳.
 - ۳- عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، ص ۱۲۴.
 - ۴- کی. جی. هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، ص ۲۲۱.
 - ۵- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۰.
 - ۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴-۴۶.
 - ۷- صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۱۲-۲۱۳.
 - ۸- قانون اساسی، ص ۱۲۱.
 - ۹- لطفعلی لطیفی پاکده، اسلام و روابط بین‌المللی، ص ۱۲۱.
 - ۱۰- قانون اساسی، ص ۴۴-۴۶.
 - ۱۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۱.
 - ۱۲- نهج‌البلاغه، ترجمه صبحی صالح، ج ۲۲۴، ص ۳۴۶.
 - ۱۳- قانون اساسی، ص ۴۴.
 - ۱۴- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳۸.
 - ۱۵- قانون اساسی، ص ۱۲۱.
 - ۱۶- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۴۷.
 - ۱۷- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۵۳.
 - ۱۸- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۰۹.
 - ۱۹- همان، ج ۱۰، ص ۴۳۳.
 - ۲۰- قانون اساسی، ص ۴۵.
 - ۲۱- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۹۱.
 - ۲۲- همان، ج ۲۱، ص ۳۰۹.
 - ۲۳- قانون اساسی، ص ۴۹.
 - ۲۴- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۴۵.
 - ۲۵- آیت مظفری، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، ص ۳۰۵.
 - ۲۶- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۰.
 - ۲۷- لطفعلی لطیفی پاکده، همان، ص ۳۴.
 - ۲۸- قانون اساسی، ص ۴۴-۴۶.
 - ۲۹- آیت مظفری، همان، ص ۳۰۹.
 - ۳۰- کاظم قاضی‌زاده، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، ص ۵۲۹.
 - ۳۱- آیت مظفری، همان، ص ۳۱۰.
 - ۳۲- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰.
 - ۳۳- آیت مظفری، همان، ص ۳۰۱.
 - ۳۴- قانون اساسی، ص ۱۲۲.
 - ۳۵- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۹.
 - ۳۶- قانون اساسی، ص ۱۲۱.
- ۳۷- آیت مظفری، همان، ص ۳۰۶.
- ۳۸- همان، ص ۳۰۵.
- ۳۹- همان، ص ۳۱۳.
- ۴۰- همان.

منابع

- نهج‌البلاغه، ترجمه صبحی صالح، قم، دارالهجره، ۱۳۷۸.
- ابن‌هشام، السیره النبویه، بی‌جا، المكتبة المصریه، ۱۴۱۹ق.
- خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۹.
- قاضی‌زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دراک، ۱۳۸۷.
- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۷۰.
- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، قم، اسوه، بی‌تا.
- لطیفی پاکده، لطفعلی، اسلام و روابط بین‌المللی، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی‌تا.
- محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.
- مظفری، آیت، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی‌تا.
- هالستی، کی. جی.، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل، ۱۳۷۳.